

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نیندازند، ولی جهانی را بدست خواهد آورد. کارگران جهان متحد شوید!

انقلاب آتی در ایران یک انقلاب کارگری خواهد بود



حسن صالحی

مستقیم اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. اعتراضات کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان و جوانان که هر روز هم رادیکالتر می شود، شواهد محکمی مبنی بر در راه بودن آن است. مسئله این است که جامعه ایران دارد از درون می جوشد. غرش لرزشهای زیر زمینی انقلاب بوضوح شنیده می شود. فعل و انفعال

بعد از قریب به ۲۵ سال تداوم حاکمیت سیاه مذهبی، ایران در آستانه یک انقلاب دیگر قرار گرفته است. انقلاب مانند صاعقه از آسمان نازل نمی شود. پیش درآمد آنرا می توان در همه جا دید. کارخانه، مدرسه، دانشگاه، بیمارستان، شهر و روستا به محلی برای ابراز علنی و

ملکولی انقلاب همه جا در جریان است. انقلاب راه خود را از پایین به بالا باز می کند
صفحه ۲

آنچه که پشت نپرداختن به موقع دستمزدها خوابیده است!

خبر پرداخت نشدن دستمزدها و مبارزه برای دریافت آنها دقیق و صفحاتی از اخبار رسانهها را به خود اختصاص داده است. هدف از نپرداختن دستمزد کارگران، دستمزدی که خود کارگران و تشکلهایشان در

سالهای اخیر، اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدها بوده است. به تعویق افتادن دستمزدهای کارگران در ایرانی تحت جمهوری اسلامی مسئلهای مربوط به چند سال اخیر نیست. اما سالهای اخیر به یمن بحرانی که سراپای جمهوری اسلامی را فراگرفته،



ناصر اصغری

تا قبل از اعتراضات کارگران پتروشیمیها، بیشترین اخبار مربوط به اعتراضات کارگری

خدمات درمانی در آلمان، برخورد غیر انسانی سرمایه به انسان است



وربا احمدی

است یک سیاست طبقاتی و غیر انسانی است. بیمارستان کودکان و خدمات درمانی به کودک فقط یکی از نمونه هاست. در بیمارستانها، کودکان چند ماهه تا یکساله در اطاقی ۱۲ متری که حداقل سه کودک در آن بستری است درمان میشوند. در این اطاق کوچک

امور سلامتی و درمان در آلمان یکی از نمونه های برجسته خدمات جامعه سرمایه داری به بشریت امروز است. هر چند دستاوردهایی که در این عرصه بدست آمده حاصل سالها مبارزه کارگران جامعه میباشد اما سیاستی که بر کل این خدمات حاکم

سه تخت بچه، سه کمد کوچک و سه صندلی برای پدر یا
صفحه ۳

سردبیر سالی نو، نظمی نو با انقلاب کارگری



امیر توکلی

هرچند تفاوتهایی دارند اما در ماهیت خود یک منشأ دارند و آن ضد سرمایه داری بودن آنهاست. * در سالی که گذشت تر «نظم نوین جهانی» آمریکا توسط موثرترین، هولناکترین و کشنده ترین اسلحه های موجود در زرادخانه های آمریکا در عراق عملاً پیاده شد. قدرت برتر نظامی آمریکا با کشتار مردم عراق در سطح جهانی تثبیت شد. نتایج ویرانگر این جنگ همچنان رو به گسترش است و این برگی از پرونده سیاه دمکراسی بازار آزاد و نظم نوین جهانی آمریکاست. اما این فقط یک روی مساله بود. میلیونها انسان در مقابله با این جنگ در شهرهای مختلف جهان به خیابان آمدند و تنفرشان را از جنگ علیه مردم عراق فریاد زدند. مردم در سطح میلیونی از سیاستهای دولتهایشان فاصله گرفته اند و همدردیشان را با مردم عراق ابراز کردند. رسانه های توجیه گر سرمایه داران نتوانستند مردم را

سال ۲۰۰۳ را پشت سر گذاشتیم. سالی که اتفاقات تعیین کننده ای را در خود داشت. اتفاقاتی که تاثیراتشان کوتاه مدت نیست و میروند تا در سال تازه سیمای جدیدی را در سطح بین المللی، در خاورمیانه و بالاخص در ایران ترسیم کند. اگر بخواهیم سالی که گذشت را در کلی ترین سطح اش مرور کنیم. دو روند کاملاً همسو قابل تشخیص است. در سطح بین المللی به میدان آمدن بشریت آزادیخواه در مقابله با نظم نوین جهانی آمریکا و متحدینش و در ایران، بن بست اسلام سیاسی و مردمی که برای تعیین تکلیف با آن به میدان آمده اند. این دو روند

مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری

منصور حکمت

صفحه ۶

ادامه

انقلاب آتی در ایران یک انقلاب کارگری خواهد بود

و اندیشه انقلابی هر چه بیشتر عمق می یابد. اگر انقلاب به معنای مبارزه مستقیم برای تسخیر قدرت باشد، انقلاب آتی ایران به یمن وجود جنبش قوی کمونیسم کارگری و حزب هوشیار و نیرومندش تضمین خواهد کرد که این قدرت به تصاحب طبقه ای در آید که شایسته آن است. طبقه کارگر، به این معنا انقلاب آتی ایران یک انقلاب کارگری خواهد بود که به برپایی جامعه سوسیالیستی خواهد انجامید. به همین دلیل است که احزاب رنگارنگ بورژوازی از "فاجعه" قریب الوقوع انقلاب بیمناک اند. همین عامل است که آنها را و می دارد که با تبلیغات زهرآگین علیه انقلاب، از وقوع آن حتی الامکان جلوگیری کنند.

جامعه ایران در دوران انقلاب ۵۷ با دوره حاضر از تفاوت‌های اساسی برخوردار است. جامعه امروز ایران بر مراتب حزبی تر است. علیرغم اختناق سیاسی در کشور، مردم در ابعاد وسیع و گسترده ای به یاری اینترنت و آنتن های بشقابی از مواضع احزاب و جریانات دخیل در سرنوشت ایران مطلع هستند و قادرند از میان آنها دست به انتخاب زنند. جامعه پیش از پیش به راست و چپ تجزیه می شود. حزب کمونیست کارگری ایران در قطب چپ جامعه بعنوان منعکس کننده خواستها و تمایلات انسانی مردم و تبلور عزم و اراده آنها مصمم به رهبری این انقلاب است. طبقه کارگر طعم قدرت خویش را در تجربه شوراهای بعد از انقلاب ۵۷ چشیده است. نسلهای قدیمی تر تجربه به کجراه رفتن انقلاب پیشین را در حافظه دارند و اجازه نخواهند داد که شمره جانفشانی های آنان در انقلابی دیگر نصیب طبقات دارا شود. نسل جوان که تاکنون متحمل شکستی نشده است، به کمتر از داشتن زندگی جوانان سوئدی و فرانسوی رضایت نخواهد داد. و زنان بهرماره سایر بخشهای مردم

کسانی که از انقلاب ضرر می بینند و یا دیده اند، نمی خواهند از انقلاب با نام حقیقی آن یاد کنند. به قول تروتسکی "به رغم تلاشهای مرتجعان کینه توز، کلمه انقلاب در حافظه تاریخی بشر غرق در هاله ای از آزادیها و وارستگیهاست". برای اینکه این برداشت به ذهنها متبادر نشود، انقلاب را باید خشونت و طغیان اوباش اعلام کرد تا راحتتر بتوان با آن دشمنی ورزید. اما سواى این موضوع و صرفنظر از اینکه گروهها و دستجات نامبرده چه توضیحی برای مخالفت خود با انقلاب دارند، در بررسی این دشمنی می توان به چند عامل اشاره کرد.

تا آنجا که به جریانات راست و سلطنت طلب بر می گردد انقلاب برای اینان آنجایی موضوعیت پیدا می کند که بخواهند بر علیه آن دست به کودتا بزنند. ضد انقلابی عمل کردن جز خصوصیات پایه ای آنهاست. بعلاوه کسانی که بیشتر با انقلاب مردم سرنگون شده اند طبیعی است که از انقلاب دل خونی داشته باشند چرا که انقلاب ۵۷ بساط لفت و لیس آنها را برچید. با سرنگونی نظام شاهنشاهی، چاکران و مداحان آن نظام در حسرت دوران خوش گذشته کینه توزانه به انقلاب تاخته اند و آنرا لعن کرده اند. اینکه بخش قابل ملاحظه ای از چپگرایان سابق "انقلابیگری" را به کناری گذاشتند عمدتاً به تحولات دنیای پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق برمی گردد. تحولاتی که متعاقب آن هرگونه حرکت انسانی برای دستیابی به سعادت و رفاه عبث و بیهوده قلمداد می شد. اینان انقلابیگری نیم بند خود را در پیشگاه سرمایه سلاخی کردند تا سوار بر موج قهقرا، نزد فاتحان اقتصاد بازار آزاد مقبولیت یابند. و بالاخره مخالفت برخی از جریانات ملی-مذهبی که خود از معماران فکری ضد انقلاب اسلامی بودند نیز قابل فهم است. انقلاب بعدی در ایران فقط با جمهوری اسلامی

تعیین تکلیف نخواهد کرد. این انقلاب می تواند با نیروی بیداری و روشنگری خود با هر گونه نشانه ای از تعجر، شرق زدگی و عقب ماندگی، یعنی همه آن چیزهایی که هویت ملی-مذهبی ها را تشکیل می دهد، به مقابله برخیزد.

این عوامل هر یک می تواند توضیح دهنده بعضی از دلایل مخالفت احزاب و دستجات نامبرده با انقلاب باشد اما به نظر من هنوز دلیل اصلی را بیان نمی کند. وجه مشترک همه این جریانات در این است که هیچکدام از آنها خواهان برچیدن نظام سرمایه داری نیستند. آنها در بهترین حالت طرفدار اصلاحات ناچیزی در چهارچوب این نظامند و در راست این صف جریاناتی قرار دارند که از طریق برقراری یک دیکتاتوری خشن می خواهند ایران را مجدداً به "جزیره سکون و آرامش" سرمایه داری تبدیل کنند. این فصل مشترک، یعنی حفظ پایه های نظام سرمایه داری، ما را به دلایل اساسی مخالفت آنها با انقلاب نزدیک تر می کند. کسانی که فقط به اصلاحات محدودی در این نظام قانع هستند در انقلاب خطر دگرگونیهای بنیادی را می بینند و می خواهند اساس سرمایه و سرمایه داری که مایه مشقت مردم است را از گزند انقلاب در امان نگاهدارند. اینان طرفدار رفم و تغییرات تدریجی، مخالف انقلاب و چنانچه بتوانند عهده دار نقش ترمز کننده انقلاب هستند. و اما آن جریاناتی که بدنبال برقراری "بهشت سرمایه داری" در ایران می باشند، اصولاً ضد انقلابی عمل می کنند چرا که لازمه ایجاد چنین بهشتی (اگر شدنی باشد) انقیاد مردم از طریق اعمال زور و سرکوب است. بنابراین عامل حفاظت و پاسداری از نظام استثمارگرانه سرمایه داری ما را در فهم دلیل اساسی مخالفت این جریانات با انقلاب کمک می کند. ولی این تنها دلیل نیست. ما داریم از وقوع یک انقلاب معین در ایران صحبت می

کنیم. انقلابی که در راه است. نیروهای دخیل در این انقلاب، تمایلات عمیقاً انسانی که این انقلاب دنبال می کند، آلترناتیو اجتماعی و اقتصادی روشن آن و وجود یک رهبری روشن بین و چپ که سالها در کار تدارکش بوده به این انقلاب ویژگی ای می دهد که باعث خشم و غضب بیشتر طبقات دارا و نیروهای مدافع آنها می شود. این انقلاب به اعتبار همه فاکتورهایی که پیشتر نیز بدان اشاره شد، عصای دست طبقات دارا برای رسیدن به قدرت نخواهد بود. این انقلابی نخواهد بود که ماحصلش جابجایی قدرت در درون طبقه سرمایه دار باشد. این انقلاب فقط علیه استبداد نیست. این انقلابی نخواهد بود که هدفش استقلال اقتصادی باشد. این انقلابی فقط برای تخفیف آلام سرمایه داری نیست. این انقلابی است که می خواهد بنیاد جامعه موجود یعنی مالکیت اقلیتی کوچک بر وسائل تولید را در هم کوبید. این انقلابی است که برقراری مالکیت و کنترل اشتراکی تولید کنندگان بر وسائل کار و تولید را در دستور قرار دارد و می خواهد آزادی و برابری واقعی را به ارمغان بیاورد. آزادی نه فقط بمعنای خلاصی از استبداد و سرکوب بلکه بمعنای رهایی از هر گونه اجبار اقتصادی و اسارت فکری. برابری نه فقط بمعنای برابری حقوقی و قانونی بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه.

نزدیک به ۸۶ سال پس از انقلاب اکتبر، متأسفانه این به یک رسم معمول تبدیل شده است که طبقات فرودست در خیابان، کارخانه و سنگر بجنگند و بعد نمایندگان طبقات دارا که از پنجره خانه شان نظاره گر این جنگ بوده اند، قدرت را تصاحب کنند. این همان اتفاقی بود که در انقلاب ۵۷ افتاد. این انقلاب در نیمه راه ربهوده، غضب و

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

صندوق همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در ایران!

www.kargaran.org

سایت کارگران طبق اطلاعیه ای در ۵ ژوئن ۲۰۰۳ خبر از تشکیل صندوق حمایت مالی در دفاع از کارگران چیت بهشهر داد. اکنون با شدت گرفتن جنبش سرنگونی مردم در ایران و شدت گرفتن جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران این صندوق را به صندوق حمایت از کارگران اعتصابی در ایران اختصاص دادیم. با کمک به این صندوق به استقبال و حمایت از اعتصابات کارگران در ایران برویم.

واقعیت اینست که همیشه در شرایطی که کارگران دست به اعتصاب میزنند. بویژه اعتصابات طولانی مدت یکی از مسائلی که همواره بر دوش کارگران و تداوم و تحکیم مبارزه شان فشار میآورد مساله مالی است. بویژه در شرایطی که سطح دستمزد کارگران آنقدر نازل است که حتی کفاف اولیه ترین مایحتاج آنها را نمیکند، در شرایطی که در بخشهای وسیعی از مراکز کارگری کارگران ماههاست که دستمزدی دریافت نکرده اند، این فشار شکل حادث و جدی تری بخود میگیرد. صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جافتاده در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. صندوق همبستگی مالی در حمایت از کارگران اعتصابی میکوشد که به این نیاز پاسخ دهد. به صندوق همبستگی مالی در دفاع از کارگران اعتصابی کمک کنید.

کمک های خود را به این شماره واریز کنید:

اسم بانک:

Name of the bank: Lloyds Bank

شماره حساب:

Account nr: ۰۰ ۴۴ ۲۶ ۱۵

Sort code: ۳۰ ۹۹ ۸۶

Name: A-J نام دارنده حساب:

سایت کارگران

شهلا دانشفر

۲ ژوئیه ۲۰۰۳

از سایت کارگران دیدن کنید

سایت کارگران منعکس کننده اخبار اعتراضات و مبارزات کارگران و بررسی مسائل گری جنبش کارگری است. با ارسال گزارش و خبر و مقالات و عکس در زمینه مسائل جنبش کارگری در ایران و جهان با این سایت همکاری کنید.

سردبیر: شهلا دانشفر

www.kargaran.org

آدرس سایت: آدرس ای میل: shahla_daneshfar@yahoo.com

ادامه خدمات درمانی در آلمان، برخوردار غیر انسانی سرمایه به انسان است

همدیگر ایجاد نکنند. هر اطاق دارای حمام و توالت است. هر وقت لازم باشد میتوانند با رئیس دکترها صحبت کنند، روانشناس و سوسپیتال پداگوگهای بیمارستان برای قابل تحملتر کردن اوقات بیمارستان در اختیارشان هستند بعلاوه امکانات دیگر. پزشکی و درمان تاریخا یک خدمات انسانی بوده است. اما نوع برخوردی که به کودکان زیر یکساله میشود گوشه ای از نابرابریهای این دنیای طبقاتی است. کودکان از اولین سال زندگیشان به جایگاه انسان درجه یک و درجه دو جامعه عادت داده میشوند. این تبعیض و تحقیر قرار است در تمام طول عمرشان با آنها همراه است. این دنیا چه وارهانه است. این دنیا شایسته انسان نیست.

بچه یکساله ای که کنجکاوای زندگی اش است زندانی شدن روی تختخوابش و در اطاقی کوچک بسیار سخت است. پرستاران در کنار کار شاقشان مجبورند انتقاد و ناراضیاتی خانواده ها را هم قبول کنند. خانواده ها مجبورند برای چند سانتیمتر جا به هم اخم کنند و همدیگر را تحمل کنند. اما کودکان بیمار باید همه این مشکلات را تحمل نمایند. اما برای پولداران و کسانی که بیمه شخصی دارند چنین وضعیتی پیش نمیآید. آنها اطاقهای بزرگ و مخصوص دارند. اطاقهایی که یکنفره است و با تختخواب برای پدر و مادر و امکاناتی مانند تلویزیون، دی وی دی و فیلمهای سرگرم کننده. فاصله بین اطاقها مناسب است تا مزاحمتی برای

مادر بچه ها وجود دارد. بستری شدن بچه های کوچک و همراهی والدین شان عملا غیر ممکن است. استراحت و آرامش برای کودکان در زمان بیماری مهمترین فاکتور است اما در چنین فضایی هیچ استراحتی بچه ها نمیکند. یکی گریه میکند و دو کودک دیگر هم شروع به گریه کردن میکنند و اغلب هر سه بچه با هم گریه میکنند و سر هم داد میکنند. این دیگر شکنجه است. در بیمارستانهای امروز بهبودی پیدا کردن واقعا جای تعجب دارد. برای جلوگیری از بیماریهای شایع و یا استفاده از سرم اکثر بچه ها مجبورند در اطاقهایشان بمانند و این گاه چند روز طول میکشد. پدر و مادر باید تمام مدت با بی امکاناتی کامل بغل تخت بچه شان میخ شوند. برای

ادامه سالی نو،

نظمی نو با انقلاب کارگری

مردم بر اوپاشان اسلامی است. * اما خواستها، آرزوها و اهداف انقلاب آینده ایران کیفیتا با تحولات دهه های اخیر در دنیا متفاوت است. انقلابی است از جنس اکتبر به رهبری لنین، اما ژرفتر، وسیعتر و رادیکالتر از آن. برپایی جمهوری سوسیالیستی در ایران میتواند چهره خاورمیانه را به نفع انسان تغییر دهد و نقشه سیاسی دنیا را بار دیگر باز تعریف کند. این پتانسیل از یکطرف در جنبش سرنگونی مردم موجود است و از طرف دیگر وجود حزب هوشیار کارگران و مردم آزادیخواه در صحنه سیاست ایران این را تضمین میکند. این اتفاق تاریخی میتواند امسال رخ دهد. آنرا دریابیم.

صنعت نفت را با خود همراه کند. اعتراضات دانشجویی در ۱۶ آذر با پلاکارد آزادی و برابری و دفاع از کارگران پتروشیمی. در این میان کمیته نوبل به کمک جمهوری اسلامی آمد تا شاید بتواند با نوبل وجه ای در سطح بین المللی برایش دست و پا کند که با فعالیتهای و افشاگریهای حزب کمونیست کارگری این پروژه تنها یک هفته بطول انجامید. و متقابلا وضعیت اسفبار زنان در جمهوری اسلامی و بی حقوقی انسان در ایران در راس اخبار قرار گرفت. در کنار این رویدادها و صدها اعتراض و تقابل با رژیم اسلامی و بخصوص واقعه دلخراش بم و کشتار بیش از پنجاه هزار نفر از مردم زحمتکش و شریف بم. جمهوری اسلامی را در یکقدمی سقوط قرار داده است. سال تازه بدون شک سال پیروزی

فریب دهند و به خانه هایشان بفرستند. حضور و اعتراض میلیونی مردم آزادیخواه در جهان بر علیه کشتار، جنگ و سیاستهای ضد انسانی آن اتفاق باشکوه سال گذشته بود. * در ایران اما اسلام سیاسی به لبه پرتگاه تاریخ آویزان است. سالی که گذشت سال پیشروی کارگران و مردم آزادیخواه بر علیه جمهوری اسلامی بود. در سطوح مختلفی این پیشرویها را میتوان تیتروار برشمرد: اعتصاب کارگران چیت بهشهر برای دستمزدهای پرداخت نشده و راهپیمایشان در شهر که از طرف مردم بهشهر حمایت شد و خبر آن در اکثر رسانه های داخلی درج گردید. اعتراضات مراکز پتروشیمی برای امنیت شغلی که همچنان در جریان است و توجه کل جامعه را به خود جلب کرده است و میبود که کارگران

یک دنیای بهتر را بخوانید!

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

ادامه

آنچه که پشت پرداختن به
موقع دستمزدها خوابیده است!

تعیین میزان آن کوچکترین تأثیری نداشته‌اند، صرفاً به جیب زدن این دستمزدهای ناچیز نیست. هدف به گروگان گرفتن طبقه کارگر و در واقع کل جامعه است. پرداختن و یا به تعویق انداختن پرداخت دستمزدها برای کارگران همان نقشی را بازی می‌کند که حکم اعدام در سطحی وسیعتر برای کل جامعه قرار است داشته باشد. و یا به قول معروف به مرگ می‌گیرند که به تب راضیشان کنند. وقتی که کسی را به اعدام محکوم می‌کنند، در واقع دارند به دیگران "درس عبرتی" می‌دهند. یکی را اعدام می‌کنند تا دیگران پا را از گلیشان فرتاز ننهند. بر همین اساس دستمزد یک بخش از کارگران و آن هم بخشی عظیمی از آنها را نمی‌پردازند تا دیگران سخنی از افزایش دستمزدها و دیگر حقوق اولیه خودشان بمیان نیاورند. طبقه کارگر را به عنوان یک طبقه به مرگ گرفته‌اند تا به تب رضایت دهد. هر کس باید کلاهش را بچسپد تا باد نبرد. آنهایی که کاری دارند باید شکرگزار باشند که حداقل آن را دارند، فعلاً افزایش دستمزد

و عیدی و پاداشها بماند برای خودشان. باید شکرگزار باشند که حداقل دستمزدها به موقع پرداخت می‌شود. بهانه‌ای که دولت و جیره‌خوران ریز و درشتش که اکثر صاحبان کارخانجات و شرکت‌هایی هستند که دستمزد ناچیز کارگران را به جیب می‌زنند، این است که "شرکت پول ندارد". همه می‌دانند که این دروغی بیش نیست. اینها میلیونها دلار خرج پارازیت انداختن روی خط رادیو و تلویزیونهای اپوزیسیون می‌کنند. میلیونها دلار خرج فیلتر کردن شبکه‌های اینترنتی مخالفین کرده‌اند. میلیاردها دلار خرج مأموریت‌های تروریستی می‌کنند. میلیاردها دلار خرج حزب‌الله و امل و لات و لوت‌هایشان در لبنان و فلسطین و اسرائیل می‌کنند. بدون شک می‌توانند براحثی از عهده چند صد هزار ریال دستمزد کارگران برآیند. اما تصمیم دارند که این کار را نکنند. کارگر سر هر ماه باید جواب مأمور آب، برق، گاز و غیره را بدهد. باید جواب به تعویق افتادن کرایه خانه را بدهد. باید جواب بچه‌هایش

را بدهد که چرا از گوشت سر سفره خبری نیست. چرا باید جیره غذایشان را کمتر کنند. چرا باید پدر و مادرشان کنار کار اصلی، کارهای دیگری را هم دست و پا کنند. و هزاران چرای دیگر. وای اینکه این شرایط از لحاظ روانی هر انسانی را از پای می‌اندازد، از لحاظ سیاسی نیز کارگر وقت فکر کردن برایش باقی نمی‌ماند. فکری بحال بی‌تشکلی نمی‌کند. به اضافه دستمزد نمی‌تواند باندیشد. وقت پرداختن به سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی برایش نمی‌ماند. معنی اینها را هر کسی که برای یک بار هم که شده تا با یک قبضه دیر پرداخت شده مواجه شده باشد، می‌فهمد. می‌فهمد که جامعه سرمایه‌داری چگونه فاصله زندگی و جهنم را به یک سانتی‌متر رسانده است. و این فاصله در ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی از یک میلی‌متر هم کمتر شده است. کارگر باید بداند اولین قدمی را که باید بردارد، از سر راه برداشتن جمهوری اسلامی است. باید بداند که جمهوری اسلامی نه تنها مقصر اصلی پرداخت نشدن دستمزدهایشان است، بلکه بانی هر نوع مصیبتی از زلزله تا هر سیل و طوفانی که در ایران رخ می‌دهد نیز می‌باشد. کارگر باید بداند که جمهوری اسلامی سرنگون شدنی است و برای آن باید حتماً تشکل خودش را سازمان بدهد. اگر نخواهیم رهائی واقعی به تأخیر بیافتمد، کارگر باید نه تنها خودش، بلکه تشکلش را هم با حزب کمونیست کارگری مرتبط کند. و این تنها تضمین کننده آزادی واقعی است.

ادامه

انقلاب آتی در ایران
یک انقلاب کارگری خواهد بود

سپس به شکست کشیده شد. عدم حضور یک رهبری چپ قوی و روشن بین از دلایل اصلی این ناکامی بود. انقلاب آتی این ضعف را نخواهد داشت. حضور نیرومند حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی ایران و توانایی و شایستگی این حزب در ایفای نقش رهبری، پیروزی قطعی انقلاب را تضمین خواهد کرد. اینبار دیگر میان نیروی انقلاب کننده و نیرویی که قدرت را بدست خواهد گرفت تفاوتی

ادامه

مبانی کمونیسم کارگری

لحظات تاریخی خودش را دارد و رویدادهای خودش را دارد، و رویدادهای خودش را دارد. کمونیسم کارگری علاوه بر سیستم فکری است. یک سیستم فکری جامع و فراگیر (که در این سطح هم به آن می‌پردازم، به مبانی تئوریک آن و به دیدگاه‌هایش نسبت به آن موضوعاتی که یک سیستم فکری اجتماعی فراگیر باید به آن بپردازد.) کمونیسم کارگری همچنین یک انتقاد به سوسیالیسم عملاً موجود و یک بررسی تاریخی از سوسیالیسم معاصر است. بنابراین یک جنبش و حرکت تئوریک-انتقادی است. کمونیسم کارگری همچنین مجموعه‌ای از یک سلسله ارزیابی‌های مشخص از مسائل گریه سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی است. کمونیسم کارگری رهنمودی است برای عمل، عمل سیاسی. همانطور که هر دیدگاه فکری اجتماعی و سیاسی رهنمودی برای یک سلسله عمل سیاسی است، کمونیسم کارگری همین می‌تواند در این ظرفیت تعریف شود. کمونیسم کارگری علاوه یک جنبش حزبی است که به یک آینده حزبی متفاوت برای

انقلاب کارگری

شبه‌ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

ادامه در شماره بعد

کارگران جهان متحد شوید!

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 7

03.01.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت پنجم

پدیده‌ها مربوط می‌شود و آنها را در خودش فشرده می‌کند. در درجه اول کمونیسم کارگری یک واقعیت اجتماعی است. درست همانطوریکه لیبرالیسم بورژوازی یک واقعیت اجتماعی است. یعنی همانطور که لیبرالیسم بورژوازی یک حرکت فی الحال موجود در جامعه است، کمونیسم کارگری هم یک حرکت عینی و فی الحال موجود در جامعه است. همانطور که دمکراسی بورژوازی یک حرکت اجتماعی عینی است. یا برای مثال انساندوستی بورژوازی یا لیبرالیسم بورژوازی حرکات اجتماعی عینی هستند و ما میتوانیم به فعالیشان و به اشکال مختلف وجودی شان در هر کشور اشاره بکنیم، کمونیسم کارگری هم یک چنین پدیده ای است. اجتماعی است، عینی است، بیرون از احزاب و سازمانها، ولو بعضا در ارتباط با آنها وجود دارد. بنابراین یک معنی کمونیسم کارگری، جنبش کمونیستی کارگری است یا حرکت اجتماعی کمونیستی کارگری است. آن کشمکش در جامعه است که میشود اسم کمونیسم کارگری را بر آن گذاشت. این کمونیسم کارگری، بعنوان یک پدیده عینی، یک پدیده و واقعیت تاریخی است، دائما در جریان بوده است، مادی است و تاریخ خودش را دارد،

صفحه ۴

رسیده است و طرح شدنش ناگزیر است. یکی از حلقه های تکاملی ای که ما از آن عبور میکنیم. درست مثل تشکییل حزب، کوبیدن پوپولیسم و غیره. کمونیسم کارگری پله دیگری است در همان مسیر. و بالاخره کمونیسم کارگری فراخوان معینی است به کمونیستها برای آرایش معینی، برای نگرش معینی و برای فعالیت معینی.

کمونیسم کارگری چیست

در بخش اول صحبتیم سعی کردم توضیح بدهم که کمونیسم کارگری در چه شرایط مشخصی دارد مطرح میشود، چرا و به چه عنوانی خود را مطرح میکند. منتهی اینجا میخواهم اثباتا راجع به آن حرف بزنم. و به این سوال جواب بدهم که کمونیسم کارگری چیست؟ این یک عبارت است که در سطوح مختلفی معنی پیدا میکند. بنظر من این عبارت به یک مجموعه ای از مسائل و

و از سوسیالیسم بعنوان یک سیستم دارد. اولیتهای عملی متفاوتی در جلوی احزاب کمونیستی قرار میدهد. افق و دورنما و آینده متفاوتی را در تمایز با آنچه که این پراتیکها و احزاب واقعا موجود لفظا و یا عملا دارند ترسیم میکنند، در جلوی کمونیسم معاصر ما قرار میدهد. و بالاخره احساس مبرمیت و تعجیل و شادابی ای که این بحث نمایندگی میکند، در تمایز با فرومردگی و پلاستیکی ای که چپ امروز به آن مبتلاست، قرار دارد.

خلاصه این بخش صحبتیم این است: کمونیسم کارگری پاسخی به سوالاتی است که بطور واقعی هر کمونیستی قاعدتا باید داشته باشد و باید جواش را هم داشته باشد. من طرفدار یک جنبش سوال داشتن نیستم، طرفدار جنبش جواب دادن هستم و فکر میکنم این جواش است. کمونیسم کارگری پاسخ همه جانبه ای به این مساله است در ابعاد سیاسی، نظری و پراتیکی. اصلاحیه نظری و پراتیکی بر چیزی نیست. یک جهت گیری نیست. بلکه یک تبیین متمایز و یک خط مشی متمایز است. کمونیسم کارگری در تداوم تکامل جامعه واقعا موجودی که حزب ما برای مثال از آن بیرون آمده، و بنظر من در تکامل مبارزه طبقاتی در جهان معاصر پیدا میشود و ایجاد میشود و بطور مشخص در ایران، امتداد تحولات چپ انقلابی و جنبش کارگری در ایران است. حاصل آن پرورده است. وقتش فرا

مارکسیسم بعنوان یک ایدئولوژی و یک مذهب دفاع بکند، حقانیت آن را بگوید. اما برای کمونیسم کارگری، مارکسیسم تئوری یک انقلاب در حال جریان و یک فعالیت در حال جریان است و به این عنوان هم از آن دفاع میکند. بعدا در مقدمات بحثم راجع به مبانی عقیدتی کمونیسم کارگری برمیگردم در رابطه با مارکسیسم حرف میزنم. این نگاه به رویزیونیسم و به جایگاه تئوری مارکسیسم بنظر من یک وارونگی سنتی را اصلاح میکند و مساله از قاعده اش بر زمین میگذارد. این فقط بخشی بر سر متدولوژی و روش نیست. بلکه به استنتاجهای عملی بسیار متفاوتی نسبت به آنچه که توسط همین حزب ما (حزب کمونیست ایران)، بعنوان پیشروترین جریان کمونیستی و انقلابی ترین تشکل مارکسیستی موجود انجام میشود، منجر میشود.

من اینجا در بحث کمونیسم کارگری تبیین دیگری از مبارزه طبقاتی را طرح میکنم. این تبیین بخشا هم اکنون در نشریات و ادبیات حزب کمونیست ایران منعکس شده این شامل نگرش دیگری به تئوری است. کمونیسم کارگری نگرش دیگری به حزب، به کارآکتر اجتماعی اش، وظایفش، بافت اش، ساخت اش و روش فعالیتش دارد. نگرش دیگری به تاریخ جنبش کمونیستی و به تاریخ جنبش چپ و بطور کلی و تاریخ جنبش کارگری. مفهوم متفاوتی از انقلاب کمونیستی

از لحاظ نظری جریان مارکسیسم انقلابی ما بنظر من حالت خاصی از کمونیسم کارگری بوده است، کمونیسم کارگری است در یکی از ظرفیتهایش. در لحظه معینی از حیات خودش. کمونیسم کارگری در آن بعدی از حیات خودش که به جنگ تحریفات تئوریک میروید در موقعیت یک مارکسیسم انقلابی ظاهر میشود. در این شکی نیست. اما به این اعتبار مارکسیسم انقلابی فقط یک حالت خاص و یک عکس دو بعدی از یک واقعیت چند وجهی است. اگر به کمونیسم کارگری از یکی از وجوهش نگاه کنیم، در قامت یک جریان مارکسیست انقلابی نمودار میشود. به این اعتبار تاریخ مارکسیسم انقلابی و تاریخ مبارزه ضد رویزیونیستی میتواند بخشی و بعدی از تاریخ کمونیسم کارگری باشد، اما کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش اجتماعی و یک حرکت سیاسی و حزبی در جامعه نمیتواند در این شکل محدود و خلاصه شود. کمونیسم کارگری بموازات همان مارکسیسم انقلابی هم وجود داشته است، بحثی که من اینجا میخواهم ارائه کنم دقیقا همین است پیشروی مارکسیسم انقلابی در ایران پس از انقلاب ۵۷ دقیقا بر مبنای وجود یک جنبش وسیعتر کمونیسم کارگری در جامعه صورت گرفته و ممکن شده است.

بهرحال، جنبش ضد رویزیونیستی میخواهد از

آزادی برابری حکومت کارگری